

باب شانزدهم - لوح مبارک درباره ایران

در لوح طیب فرموده‌اند :

“ اینکه درباره انقلاب و اختلاف ایران مذکور شده بود هذا ما وعدنا به فی الالواح ای طیب قبل از ارسال بدیع حجت الهی بر اهل آن دیار کامل و بالغ نه چه که رئیس از تفصیل بتمامه مطلع نبوده و نفسی هم جهره کلمه حقی بر او القاء نکرده و لکن بعد از ظهور بدیع بر قدرت منیعه الهیه و ابلاغ کلمه ربانیه و کتاب الهی حجت و برهان کامل و بالغ شده چون بنعمت معنویه اقبال نمودند از نعماء ظاهره هم ممنوع گشتند حتم بود این بلا من لدی الله مالک الاسماء حال باید تفکر نمود که سبب چه بوده که رشحات بحر غضب الهی رئیس را مهلت داده و سایرین را اخذ نموده عند ربک علم ما کان و یکون انه لهو العظیم الخبیر اگر ناس در امور وارده و این بلیه کبری تفکر مینمودند کل را بشاطی عز احدیه متوجه مشاهده مینمودی و لکن قضی ما اراد انه لهو المراد” انتهى

و نیز درباره ایران از الواح مبارکه جمال قدم جل شأنه الاعظم این لوح مبارک است قوله تعالی:

هو المنادی فی سجنه العظیم

یا ایها الشارب رحیقی من ید عطائی و یا ایها الطائر فی هوائی و یا ایها المحترق بحزنی و مصیباتی و یا ایها المشتعل بنار حبی اسمع ندائی عن شطر سجنی انا من افق البلاء ندعوک و نذکرک انت تعلم و الله يعلم ان البهاء ما نطق عن الهوی امر الكل بالبر و التقوی و نهامهم عن البغی و الفحشاء و لکن القوم نبذوا نصائحي و مواعظی و عملوا ما ناح به الاقلام و الالواح يعملون ما یأمرهم به اهوائهم الا انهم فی غفلة و ضلال لعمرک ان تعد بلایائی لا تحصیها تشهد بذلك کتب الله و عن ورائها ام الکتاب قد سمعنا حنینک فی حزن مولیک و عرفنا احتراقک فیما ورد علیه من الاعداء نسئل الله تعالی ان یجزیک جزاء کاملا انه هو العزیز الوهاب انا علمناهم فی کتبنا و الواحنا ما یرفعهم بین العباد و هم ارتکبوا ما جرت به الدموع من عیون الابرار و لکن قلمی الاعلی لا یلتفت الیهم و لا الی الدنیا و ما خلق فیها یشهد بذلك صریره و ما نزل منه فی العشی و الاشراق

سبحان الله عنایت سبب شقاوت شد و شفقت علت بغضاء در سنین متوالیات نصیحت نمودیم و بما ینفعهم و یضرهم آگاهی دادیم و لکن نصح الله اثری ننمود و بر صخره صما اوامر و نواهی الهی نفعی نبخشید در لیالی و ایام بمفتریات مشغولند نظر بعدم استحقاق عباد این امور واقع شده و میشود سبحان الله نیر عدل باید از افق ایران اشراق نماید حال از افق عشق آباد مشرق و لائح

صد هزار حیف که اهل ایران از اثمار سدره مبارکه که در آن ظاهر شد محروم و ممنوعند لعمر الله هذا من جزاء اعمالهم فی ایامه انه هو الفرد الواحد العزيز العلام از حق میطلبیم ایران را مؤید فرماید بر اجراء عدل و انصاف ان ربك يحب الوفاء فی كل الاحوال این ایام باید در حفظ و صیانت آن از مظلوم مدد طلب نمایند و رأی اخذ کنند و لكن غفلت و نادانی ایشانرا از ما ینفعهم منع نموده اینست جزاء اعمال در یوم مآل هر یوم اوامر و احکام خارجه نفوذ مینماید و باین نفوذ نفوذ اهل ایران متوقف از حق بطلب نائمین را آگاه فرماید و از خواب بر انگیزاند شاید تمسک نمایند بآنچه سبب نجاح و فلاح است و لكن هیهات زود است دو اصبع متصل شود اذا یرون انفسهم فی خسران مبین كذلك ذکرنا لك ما كان مستورا عن الابصار ان ربك هو العزيز البصار

و در لوح علی میفرمایند قوله تعالی :

“ اینکه در تنگی و قحطی ایران مرقوم فرموده بودید این از وعد الهی بوده در الواح چنانچه در همان سنه که لوح منیع بید بدیع ارسال شد در الواح ذکر شدائد و بلایا و قحط آن دیار تصریحا نازل شده و وعید الهی کل را احاطه نموده چنانچه آیه نازل که مضمون آن این است اگر نظر بملاحظه احباب نبود کل هلاک میشدند ای علی هنوز اثر دم بدیع از ارض محو نشده و تو میدانی که آن مظلوم بکتابی فرستاده شد که ابد از برای نفسی در آن عذری باقی نمانده و اصل امر بکمال تصریح اظهار شده مع ذلک ورد علیه ما ورد” انتهى